

بهزاد حمیدیه

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش سیزدهم)

به اهتمام

جمعی از دانشجویان دانشکده فنی

دانشگاه تهران

info@toraath.com

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش سیزدهم)

بهزاد حمیدیه، روزنامه‌ی رسالت شماره ۶۰۵۹، شنبه ۲۳ دی ۸۵

نقد مقاله‌ی «قرائت فراموش شده»؛ بازخوانی نظریه‌ی «علمای ابرار»، تلقی اولی اسلام

شیعی از اصل «امامت»، فصلنامه مدرسه، سال اول، شماره سوم، اردیبهشت ۸۵

دکتر محسن کدیور، در ادامه‌ی جمع‌بندی خود از شواهد سه‌گانه^۱ بر وجود و غلبه‌ی رویکرد «فراپشری» به امامت در قرون اولیه‌ی تاریخ تشیع، بیان داشته‌اند:

«ثانیاً ائمه، فاقد علم غیراکتسابی یا علم لدنی یا علم غیب هستند ... به عبارت دیگر، امامان معارف دینی را به شیوه‌ی اکتسابی از امام قبل به دست آورده‌اند و با رأی، اجتهاد و استنباط، احکام شرعی را تحصیل کرده‌اند و همانند دیگر آدمیان خطا پذیرند، اگرچه کم خطا ترین هستند.»

آقای دکتر کدیور نباید فراموش کنند که تلقی معارف بی‌شمار الهی از طریق اکتساب عادی بشری توسط کودکی پنج ساله، عادتاً محال است. به علاوه اگر در ائمه نیز خطا راه دارد میزان برای تشخیص خطا و صواب چیست؟ این بحث با توجه به حیاتی بودن دین الهی و مدخلیت تام آن در سعادت یا شقاوت دنیوی و اخروی، بسیار حیاتی است. میزان لاجرم یا عقل قطعی خواهد بود یا عقل ظنی و یا نصوص پیامبر اکرم و قرآن مجید. با توجه به ندرت احکام قطعی عقل و نیز عدم وجود بسیاری جزئیات در نصوص قرآنی و نبوی، عمده میزان باقیمانده، عقل ظنی خواهد بود. اگر عقل ظنی آن‌چنان مقتدر و حداکثری تلقی می‌شود که می‌تواند سیره‌ی قولی و فعلی ائمه را یک به یک مورد ارزیابی قرار دهد و چونان قاضی و حاکم به رد بعضی و قبول بعضی حکم کند، آن‌گاه آن‌چه اصالتاً مورد تبعیت است عقل است و سیره‌ی ائمه، در این میان لغو خواهد بود. علاوه بر این اگر احتمال خطا در احکام صادره از ائمه وارد شود حجیت قول ائمه نقض شده، دستور پیامبر به تبعیت از ایشان مخدوش خواهد

گردید (در موردی که عقل خطا را تشخیص داده، دو جهت متعارض پدید خواهد آمد: از سویی تبعیت واجب است، به جهت دستور پیامبر و از سویی تخطی لازم است به جهت دستور عقل).

نکته‌ی دیگر این‌که تعبیر «کم خطاترین» که دکتر کدیور درباره‌ی ائمه به کار برده است ضمناً به معنی وجود خطا ولو اندک در ائمه راجع به استنباط احکام شرعی است حال آن‌که دکتر کدیور در ذیل شاهد سوم بیان نمود: «در طول تاریخ کم نبوده‌اند افراد مذهبی که هرگز به معصیت حضرت حق تن نداده، عمری را در طهارت نفس سر کرده‌اند.» شاید بتوان چنین اظهار کرد که اگر امکان رخ ندادن معصیت در طول عمر وجود دارد و انسان‌های زیادی، چنین بوده‌اند امکان عدم خطا در استنباط احکام شرعی نیز وجود دارد، چه این‌که عصمت عملی و جوارحی، دشوارتر از عصمت فکری و تئوریک است. زیرا در عمل و رفتار دواعی نفسانی، مدخلیتی تام می‌یابند و مجموعه‌ای پیچیده از گزینه‌ها را پیش روی کنش‌گر قرار می‌دهند، حال آن‌که در حوزه‌ی اندیشه و فکر، صرفاً گزاره‌های نظری، در پیش روی متفکر قرار دارد. از این گذشته، جناب آقای کدیور، در برابر سؤالات متعددی قرار دارند: ایشان چه سند تاریخی برای وجود خطا در استنباط‌های ائمه در دست دارند؟! آیا کسی که خطای امام را تشخیص داده، آن را تصحیح کند مقامی برتر از امام نمی‌یابد؟! آیا نیاز امام به مصحح، هدف و غرض از امامت را مخدوش نمی‌سازد؟! آیا شواهدی تاریخی بر تلمذ، پای دست استاد نشستن و سیر درسی ائمه وجود دارد؟! اگر هر امام، علم را اکتساب نموده است چرا در تاریخ، هیچ روایت معتنابه و قابل اعتمادی راجع به کلاس‌های درسی فشرده و فوق‌العاده‌ای که هر امام جهت تعلیم امام بعد تشکیل می‌داده است مشاهده نمی‌شود؟! خصوصاً در مورد ائمه‌ی آخر که مدت مدیدی از زندگی مبارک خویش را در زندان یا تحت حفظ حکومت به سر برده‌اند و اصولاً امکان تشکیل چنین کلاس‌هایی را نداشته‌اند چه می‌توان گفت؟!!

دکتر کدیور باید طریقه‌ای را که خود بدان طریق، دریافته‌اند که خطای ائمه در استنباط احکام شرعی از بقیه کمتر بوده است بیان نمایند. اگر طریق مزبور عبارت است از نص امام قبل، آن‌گاه باید گفت امکان خطا در همین نص و نصب نیز وجود دارد و برای اثبات درستی آن لازم است کم خطاترین بودن امام بعدی، از طریق دیگری اثبات شود و اگر طریق مزبور، بررسی تاریخی، رجالی و درایتی روایات است،

بسیار مشتاق جزئیات تحقیقات جناب دکتر کدیور که قطعاً بالغ بر هزارها صفحه می شود هستیم تا بر ما معلوم شود که در هر مسأله از مسائل بی شمار فقهی، چه ملاکی (عقل قطعی یا ...) جهت تشخیص کم خطا تر بودن استنباط ائمه ی اثنی عشر نسبت به ائمه ی اربعه اهل سنت، مثلاً مورد امعان نظر ایشان قرار گرفته است.

هنوز جمع بندی دکتر کدیور ادامه دارد که در شماره ی بعد به بررسی آن خواهیم پرداخت.